

حمل موجه شایع صناعی

قسم دوم، سوم و چهارم

جمع بندی صحت حمل

صحت حمل و عدم صحت سلب

نه در حمل اولی و نه در حمل شایع علامت حقیقت نیست

کلام محقق داماد درباره اثر داشتن صحت حمل با وجود عدم دلالت بر وضع

گاهی اصل معنا و مفهوم را می دانیم ولی در **توسعه و ضیق** آن مفهوم شک داریم
در این موارد به صحت سلب و عدم صحت سلب رجوع می کنیم

مثال حمل شایع :

اگر توانستیم بگوییم «مطلق الأرض صعيد» می گوییم معنای صعيد، توسعه دارد

مثال حمل اولی :

اگر توانستیم بگوییم «الحيوان الناطق انسان» می فهمیم این دو مفهوم از حیث سعه و
ضیق یکی هستند

کلام مرحوم بروجردی

عدم صحت سلب معنی از لفظ بما له من المعنی ← علامت حقیقت نیست
 عدم صحت سلب معنی از لفظ بما هو لفظ ← علامت حقیقت است

چراکه لفظ وجود لفظی معنی و فانی در معنا است

لذا : سلب معنا از لفظ بما له المعنی ← مثل سلب الشیء عن نفسه ← موجب تنفر طبع آدمی
 در حالیکه اگر بگوییم: «لفظ انسان معنی شجر نیست» طبع آدمی از آن تنفر ندارد

جواب حضرت امام از مرحوم بروجردی

ایشان خلط کرده اند

لفظ بما هو لفظ را بالبداهه می توان از معنی سلب کرد
چراکه آنچه فانی در معنی شده است **لفظ بما له من المعنی** است

پس: آنچه را نمی توان از معنی سلب کرد، لفظ بما له من المعنی است.

و لذا اشکال اصلی باقی است که:

اگر شما معنای لفظ را نمی دانید، چگونه حکم به صحّت یا عدم صحّت سلب می کنید

۹۱ / ۹ / ۱۸

جلسه ۳۷

حقیقت و مجاز

شنبه

سال سوم

سوم:

اطراد

تقریر اول

تقریر مرحوم مشکینی

کلام مرحوم مشکینی

اطراد یعنی : اگر لفظی را به سبب وجود معنایی بر چیزی اطلاق کردیم بتوانیم این لفظ را بر هر

چه دارای آن معنا هست اطلاق کنیم

مثلا لفظ عالم را اگر بر زید اطلاق می کنیم به سبب آن است که زید دارای «علم» است، بتوانیم

به هرکس که دارای علم است بگوییم عالم

عدم اطراد یعنی : یعنی نتوانیم آن لفظ را در هر جا که آن معنی وجود دارد، اطلاق کنیم

اگر به رجل شجاع می گوییم **أسد** - چون با اسد شباهت دارد - نمی توانیم به هر رجلی بگوییم

اسد و لو اینکه آن مرد که شجاعت ندارد

تقریر مرحوم مشکینی

تقریر اول

۴ قول

اطراد علامت حقیقت است	مشهور	۱
هیچ کدام علامت نیستند	آخوند	۲
اطراد علامت حقیقت است عدم اطراد علامت مجاز نیست	سید عمید الدین / علامه حلی در تهذیب	۳
اطراد، علامت حقیقت است عدم اطراد، علامت مجاز است	عمید الدین / حاجبی / عضدی / شیخ بهایی / علامه حلی در نهایه	۴

تقریر اول

تقریر مرحوم مشکینی

شرایط استفاده از اطراد بنا بر این تقریر

أولاً:

یک لفظ بر یک مورد (مصدق معین) اطلاق شود ← بگوییم «انسان» و «زید» را اراده کنیم

ثانیاً: بدانیم که اطلاق این لفظ بر این مصداق به سبب وجود صفتی در مصداق است

ثالثاً: ملاحظه کنیم که آیا این لفظ بر مصداق های دیگری که دارای این صفت هستند هم اطلاق می شود یا نه؟

تقریر مرحوم مشکینی

تقریر اول

۴ قول

لفظ انسان بر «زید» به جهت وجود «انسانیت» در او حمل می شود	مرحله اول	اطراد
لفظ انسان بر «عمرو» نیز به جهت وجود «انسانیت» حمل می شود.	مرحله دوم	
لفظ اسد بر «زید» به جهت وجود «شجاعت» در او حمل می شود	مرحله اول	عدم اطراد
لفظ اسد بر «عمرو» به جهت وجود «بوی بد دهان» حمل نمی شود	مرحله دوم	